



چهارراه **گفتگو**
شبهه
۴
ماده



مریم مرتضوی نسب

مریم مرتضوی نسب، مدیرمسئول نشریهٔ «آیین» و سردبیر «چهارراه گفتگو»

قرآ را مبتدای خیابان فاطمی، انتشارات بدرقه جلوبند بود. کمی زودتر از موعد به انتشارات رسیدم و فکر کردم تا زمانی که او برسد مشغول تماشای کتاب‌های‌می‌شوم. در را که باز کردم مردی بازیگانه‌ام و کم‌وبیش سیدمورا دیدم که با قدم‌های آرام به طبقه بالا که کافی‌شاپ بود می‌رفت. حدسم درست بود.وقتی از فروشنده سرآش را گرفتیم مرابه جایی در طبقه بالا راهنمایی کرد که اسماعیل عباسی نشستته بود، اسفانی خوش‌رو و فروتنی و روزنامه‌نگاری قدیمی که اگر چه سال‌هاست از روزنامه اطلاعات جداشده اما همچنان به آن عشق می‌ورزد. او به گفته خود،بخشی از بهترین سال‌های عمر و زندگی حرفه‌ای‌اش را در این روزنامه سپری کرده‌ است.

بفرمایید از چه سالی وارد روزنامه اطلاعات شدید و چند سال در آنجا بودید؟

از دوران دبیرستان یکی از آرزوهایم این بود که وارد حرفه روزنامه‌نگاری شوم، بنابراین تصمیم گرفتم برای همکاری به دو روزنامه مطرح آن زمان یعنی روزنامه‌های اطلاعات و کیهان مراجعه کنم. در همان مرحله اول، روزنامه اطلاعات پس از آزمایشی حضوری، دعوت‌نامه فرستاد و سرنوشت من این‌گونه رقم خورد.

تحصیلات شما آن موقع در چه سطحی بود؟

زمانی که وارد روزنامه اطلاعات شدم دیپلم طبیعی داشتم و از آن گروه دانش‌آموزانی بودم که ادبیاتم قوی‌تر بود. هفت سال پس از کار در روزنامه اطلاعات از طریق کنکور سراسری در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی ادامه تحصیل دادم. در شروع همکاری با مؤسسه اطلاعات، کارم را در سازمان شهپرستان‌های این مؤسسه شروع کردم که خاستگاه‌های آن روزنامه‌نگاران قدیمی صاحب‌نام است. کار من در این سازمان با گروه خبر شروع شد. خبرها را تلفنی از خبرنگاران در شهرستان‌ها می‌گرفتیتم، تنظیم می‌کردیم و برای چاپ می‌فرستادیم.

بعد از مدتی وارد سرویس صفحات منطقی‌های شدم. هر کدام از ما مسئول یک یا دو صفحه بودند و مسئولیت حرفه‌ای من در آن مقطع، دبیری صفحات غرب و شمال‌غرب ایران بود. درهمان ایام، اولین نوشته انتقادی من با عنوان «عقد خودکودک‌بینی، خودبزرگ‌نمایی» در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات چاپ شد. زنده‌یاد احمد احرار در آن زمان ضمن دبیری سرمقاله، دبیر ستون انتقاد هم بود. به باور ایشان این اتفاق در آن بازه زمانی برای من توفیق بزرگی بود، چون روزنامه‌نگارهایی می‌توانستند در ستون انتقاد مطلب بپوشند که دست‌کم سابقه پنج‌ساله کار حرفه‌ای در تحریریه روزنامه را داشته باشند ولی یادداشت من یک سال بعد از ورودم در سال ۱۳۴۸ در آن ستون چاپ شد. عنوان دومین یاداشتم که با فاصله کمی در همین ستون چاپ شد «نامزدهای جهواره‌ی» بود.

اولین تجربه کاری من در تحریریه اصلی روزنامه در سرویس حوادث با دبیری انوشیروان کیهانی‌زاده اتفاق افتاد. دوره‌ای را هم در سرویس گزارش‌گزارندم و در نهایت در سرویس هنر و ادبیات ماندگار شدم. دبیری گروه هنر و ادب با دکتر جواد مجابی و در مقطع کوتاهی هم با محمد ابراهیمیان بود. آخرین سمت من در روزنامه اطلاعات، عضویت در شورای سردبیری در سال ۱۳۶۱ بود. در آن زمان با انتخاب اعضای تحریریه روزنامه، آقایان محمد حیدری، بیژن نفیسی، احمدرضا دریایی و من به‌عنوان اعضای شورای سردبیری برگزیده شدیم. یک سال بعد در پی تصمیمی‌تاریخ که از اتفاقات اجتناب‌ناپذیر بعد از انقلاب بود، من و عده‌ای از کادر قدیمی تحریریه از روزنامه اطلاعات جدا شدیم. در همان زمان‌ها خیلی از بچه‌های قدیمی تغییر مکان دادند، بعضی‌ها به بخش آگهی‌ها رفتند و بعضی هم در مجلات مشغول شدند. من حدود ۹ سال ضمن ویرایش کتاب، برای وزارت صنایع و وزارت معادن و فلزات دو نشریه تخصصی درآوردم و پس از یک دهه از بنیان‌گذاران تحریریه همشهری شدم.



چهارراه **گفتگو**
شبهه
۴
ماده



چرا در آن زمان از روزنامه بیرون آمدید؟

اقتضای آن دوره همین بود و تمام روزنامه‌ها این تغییرات را داشتند. شما اگر نگاهی به تحریریه روزنامه کیهان در آن دوره بیندازید می‌بینید در همان اوایل انقلاب، ناگهان تحریریه‌اش از نیروهای قدیمی خالی شد و نیروهای جدیدی آمدند. روزنامه اطلاعات هم همین شرایط را داشت. آن موقع بحث تمهد و تخصص مطرح بود و تعهد قاعدتا شامل کسانی می‌شد که موردتوق مدیران جدید بودند. دو قسمت به من پیشنهاد شد، یکی بخش شهرستان‌ها و دیگری بخش آگهی‌ها. چون از طریق ویرایش کتاب، کسب درآمد می‌کردم ترجیح دادم که از فضای کار در روزنامه فاصله بگیرم. این تغییر شغلی و جابه‌جایی شامل خیلی‌ها شد. مثلاً زنده‌یاد احمدرضا دریایی در آن زمان از اطلاعات رفت و هفت‌هنامه «آیین»ه را درآورد. بیژن نفیسی مدتی به بخش آگهی‌ها رفت ولی دوباره به تحریریه برگشت.

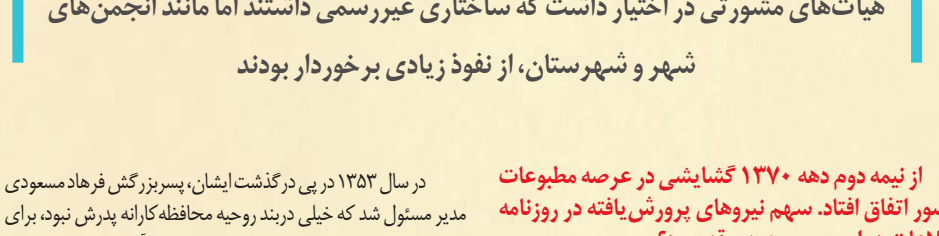
بزرگان رسانه‌های زیادی در اطلاعات متولد شدند، بنام‌ترین‌ها ایشان هم‌دوره‌های شما چه کسانی بودند؟

در آغاز همکاری من با روزنامه، چهره‌های مشهوری چون احمد احرار، احمد شهیدی، و غلامحسین صالحیار، مهندس کردبچه، دکتر حسن حاج‌سیدجوادی، منصور تاراجی، انوشیروان کیهانی‌زاده، حسین شمس‌ایلی، علی‌باستانی، بهروز بهزادی، دکتر جواد مجابی و بیژن رفیعی به‌عنوان پیش‌گوست در تحریریه حضور داشتند. غلامحسین صالحیار، چند دوره سردبیر روزنامه بود. من وقتی وارد سازمان شهپرستان‌های روزنامه اطلاعات شدم با خسرو گل‌سرخی همکاری کردم. همان سال او به آیدنگان و سپس به کیهان رفت. ریاست سازمان شهپرستان‌ها را زنده‌یاد نورالدین نوری برعهده داشت. محمدعلی مقدس‌زاده، تیمور گرگین، محمدعلی حاجیان‌فر و مسعود رحیمیان از مدیران بخش‌های مختلف تحریریه سازمان شهپرستان‌ها بودند. هادی خرسندی هم پیش از دایر کردن ستون «حاشیه‌پرداز» در روزنامه اطلاعات، با ستون «سفرنامه هم‌ولایتی» در سازمان شهپرستان‌ها با ما کار می‌کرد. من برای آن ستون، کاریکاتور می‌کشیدم. در تأسیس روزنامه آیدنگان، چهره‌هایی همچون داریوش هماپوین و هوشنگ پورشریعی نقش اصلی را داشتند که قبلاً عضو کادر اصلی تحریریه روزنامه اطلاعات بودند.

همکاران روزنامه کیهان در جریان تیراژ روزنامه کیهان در تهران، ۱۳۶۳

سیدمورا و سایر مدیران روزنامه کیهان در تهران، ۱۳۶۲

*** روزنامه اطلاعات غیر از سرپرست‌ها و خبرنگاران رسمی، تشکیلاتی منسجم به نام هیأت‌های مشورتی در اختیار داشت که ساختاری غیررسمی داشتند اما مانند انجمن‌های شهر و شهرستان، از نفوذ زیادی برخوردار بودند**



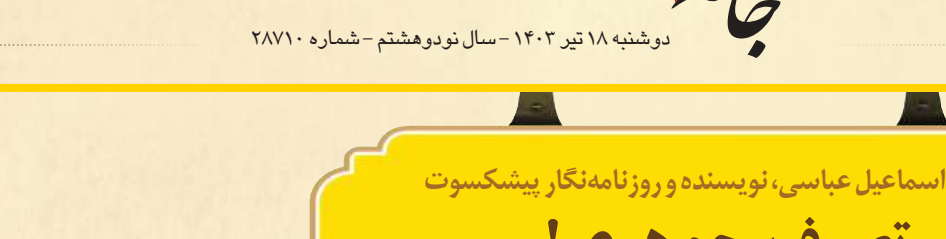
همکاران روزنامه کیهان در تهران، ۱۳۶۲

از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ گشایشی در عرصه مطبوعات کشور اتفاق افتاد، سهم نیروهای پرورش‌یافته در روزنامه اطلاعات در این موج جدید چقدر بود؟

کادر تحریریه روزنامه اطلاعات در راندازاری روزنامه همشهری نقش اصلی را داشتند. احمدرضا دریایی، من، بیژن نفیسی، پرویز بازوکی، محسن اشرفی، رضا خسروی، امیر لقمانی و تیمور گرگین با سردبیری احمد ستاری و معاون سردبیری شمس‌الواعظین و چندتن دیگر، تحریریه روزنامه همشهری را بنیان‌گذاری کردیم. بیژن نفیسی مدت کوتاهی با ما بودولی چون در روزنامه اطلاعات مسئولیت کاری داشت همان جا ماند. در همان سال اول، شمار قابل توجهی از دانش‌آموختگان رشته روزنامه‌نگاری و دیگر رشته‌های نزدیک و مرتبط، جذب همشهری شدند و این روند در دهه‌های بعد روبه‌افزایش گذاشت.

ویژگی مشخص روزنامه اطلاعات که در رسانه‌های دیگر به چشم نمی‌خورد چیست؟

همکاران روزنامه کیهان در تهران، ۱۳۶۲



دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ – سال نودوهشتم – شماره ۲۸۷۱۰

گفتگو با اسما عیٰل عباسی، نویسنده و روزنامه‌نگار پیشکسوت

تصرف جوهری!

همکاران روزنامه کیهان در تهران، ۱۳۶۲



ساختمان موسسه اطلاعات در میدان توپخانه، ۱۴ آزراه ۱۳۴۷-مجلس، چابری

مؤسسه اطلاعات برای خبرهای اختصاصی به سرپرستان و خبرنگاران روزنامه در سراسر کشور پاداش می‌داد و اگر در برابر خبر اختصاصی روزنامه رقیب به‌اصطلاح خبر خوردگی داشتند، آن‌ها را جریمه می‌کرد.

مؤسسه اطلاعات برای خبرهای اختصاصی به سرپرستان و خبرنگاران روزنامه در سراسر کشور پاداش می‌داد و اگر در برابر خبر اختصاصی روزنامه رقیب به‌اصطلاح خبر خوردگی داشتند، آن‌ها را جریمه می‌کرد.

آن زمان تیراژ روزنامه چقدر بود؟

تیراژ اطلاعات در آن زمان بین ۷۰ یا ۸۰ هزار نسخه بود ولی شمارگان روزنامه کیهان به ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نسخه می‌رسید.

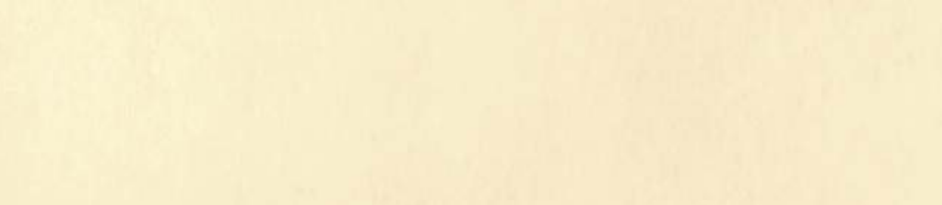
چرا تیراژ اطلاعات پایین‌تر بود؟

تا سال ۱۳۴۰ تیراژ اطالات از کیهان بیشتر بود، چون روزنامه اطلاعات در بین مردم قدیمی‌تر وشناخته‌شده‌تر بود. در بهار سال ۱۳۴۰ درگیری پیش آمد. بنا به گفته‌ها، در دهه ۴۰ و در پی فوران آتشین یک چاه نفت درجنوب ایران، این اتفاق به یک خبر داغ تبدیل شد. بسیاری از مهندسان ایرانی داوطلب شدند تا این چاه نفت را خاموش کنند. برس چاپ اولین چاه نفت میان روزنامه اطلاعات و کیهان یک جنگ تندقلمی پیش آمد و هرطرف مدعی شد که خبر را زودتر درج کرده است. حاصل این دعوا جزوهای شد با عنوان «گفتگوی روزنامه کیهان و اطلاعات» که روزنامه اطلاعات منتشر کرد.

روزنامه اطلاعات در استان‌ها نفوذ بیشتری داشت. این روزنامه غیر از سرپرست‌ها و خبرنگاران رسمی، تشکیلاتی منسجم به نام هیأت‌های مشورتی در اختیار داشت که ساختاری غیررسمی داشتند اما مانند انجمن‌های شهر و شهرستان از نفوذ زیادی برخوردار بودند و بسیاری از روشنفکران و شخصیت‌های محلی به عضویت آن درمی‌آمدند. در اوایل دهه ۵۰ با بروز اختلافات مشربی میان هویدا نخست‌وزیر وقت و عباس مسعودی، سازمان امنیت جلوی فعالیت هیأت‌های مشورتی را گرفت.

کار هیأت‌های مشورتی مشخصا در چه زمینه‌ای بود؟

این هیأت‌ها به‌مباهه تریبونی برای نقد آزاد بودند و در جلساتشان به‌صورت انتقادی مسائل استان‌ها را مطرح می‌کردند. روزنامه اطلاعات هم این مسائل را در سطح وسیع منعکس می‌کرد. کیهان چنین امکانی را در اختیار نداشت.



دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ – سال نودوهشتم – شماره ۲۸۷۱۰



البته در دهه پنجاه هم در پی تیرگی مناسبات هویدا و مسعودی و کاهش تعرفه آگهی‌های روزنامه اطلاعات، این روزنامه به ابتکاراتی برای بالابردن تیراژ و به تیح آن افزایش تعرفه آگهی دست زد.

تیرگی مناسبات دولت هویدا و عباس مسعودی که به آن اشاره کردید، ریشه در کدام مسأله داشت؟

یک مناقشه قدیمی سیاسی بین عباس مسعودی و هویدا وجود داشت که اصل دعوا به دربار و اتفاقات دهه بیست برمی‌گشت. از جمله به توصیه هویدا و دستورالعمل وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت که وظایف وزارت ارشاد امروز را بر عهده داشت، شمارگان روزنامه‌ها مبنای تعرفه آگهی‌ها قرار گرفت. پیدا بود که هدف از این رویکرد دولت، تحت‌فشار گذاشتن روزنامه اطلاعات و شخص مسعودی بود. عباس مسعودی برای آن که این نقیصه را جبران کند گروهی از روشنفکران را به تحریریه روزنامه اطلاعات دعوت کرد. عباس پهلوان، ایرج پزشکزاد و دکتر منصور مصلحی در همین گروه بودند.

پزشکزاد ستون طنزی با امضای «مش‌قاسم» دایر کرد و در کنار نوشته‌های انتقادی عباس پهلوان و نقدهای اجتماعی دکتر حسن حاج‌سیدجوادی، منصور تاراجی و دکتر منصور مصلحی، صفحه طنز انتقادی را با عنوان «ایران و جهان در اطلاعات» راه انداختند. تیراژ اطلاعات تکان خورد و توانست تعرفه آگهی برابر با کیهان را بگیرد. به استناد خاطرات اسدالله علم، شاه با تحریکات هویدا دستور داد از حضور عباس مسعودی در ضیافت شام سه‌شنبه‌شب‌ها که به میزبانی ملکه مادر برای مدیران برجسته مطبوعات برپا می‌شد، جلوگیری شود. شاه هرگونه تغییر نظرش نسبت به مسعودی را منوط به کنار گذاشتن گروه جدید از روزنامه اطلاعات کرد. مسعودی دستور شاه را به اجرا درآورد اما ضربه روحی شدیدی خورد و چند ماه بعد درگذشت.

چرا شاه با عباس مسعودی مشکل داشت؟

ریشه مناقشه شاه با روزنامه اطلاعات به دوره مصدق برمی‌گردد. شهرت داشت که عباس مسعودی به سیاست‌های انگلستان گرایش دارد اما در اوج اتفاقات سیاسی در سال ۱۳۳۲ هم‌زمان با خروج محمدرضاشاه پهلوی از ایران، مسعودی گرایش مصدقی پیدا کرد و در دفاع از او و حمله به شاه، مقالات تندمی نوشت. شاید هم فکر می‌کرد شاه بر نمی‌گردد. شاه که بر گشت، نسبت به مسعودی کینه به دل گرفت و در دوره نخست‌وزیری هویدا که گفته می‌شد بیشتر پیرو سیاست‌های آمریکا در ایران بود، فشارهایش را علیه مسعودی علنی کرد.

مسعودی یک سال ونیم بعد از این که از حضور در مهمانی‌های دربار منع شد در مقام کارشن درگذشت. من آن روز را به یاد دارم. او به روال هم‌روزه پس از ناهار برای چرتی کوتاه به بستر رفت اما دیگر بیدار نشد. فردای آن روز، احمد احرار این تیتر را برای روزنامه انتخاب کرد: «اطلاعات برآغوش عباس مسعودی متولد شد، عباس مسعودی در آغوش اطلاعات جان سپرد». ساواک اجازه برگزاری ختم مسعودی در مسجد مجدران‌داد و مراسم ختم در منزل خانواده آن مرحوم در قلهک برگزار شد.

آیا همین موضوع حکومت‌دردر بار در موضع محافظه‌کارانه روزنامه تأثیر داشت؟

البته در مجموع و تحت‌تأثیر بینش سیاسی عباس مسعودی که نمونه آن در مواجهه با نمایندگان معلمان و دانشجویان معترض آشکار شد، روزنامه اطلاعات در مقایسه با کیهان، خط مصلحی محافظه‌کارانه‌تری داشت اما کنترل شدید دربار و دولت وقت نیز توان و ابتکار عمل را از روزنامه ی گرفت.

راز ماندگاری اطلاعات تا به امروز را در چه می‌بینید و جایگاه‌ان در فضای کنونی کشور را چگونه تعریف می‌کنید؟

از ویژگی‌های روزنامه اطلاعات که بیست سال قبل‌تر از کیهان منتشر شد، داشتن صفحات و ستون‌های ثابت در طول چند دهه بود و به نظر من همان صفحات به‌مغایه خاطرات چند نسل است.



دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۲ – سال نودوهشتم – شماره ۲۸۷۱۰



هیأت‌های مشورتی در سراسر ایران، پایگاه وسیعی در میان مردم داشت و مسائل را منعکس می‌کرد. ستون‌ها و صفحات ثابتی مثل نمایندگان اطلاعات در خدمت مردم، نظرها و اندیشه‌ها و گزارش روز که تحلیل اتفاقات روز در آن منعکس می‌شد در همان محدوده که سیاست‌ها و سانسور حکومت اجازه می‌داد، پاسخگوی نسبی نیاز مخاطبان بودند.

در دهه ۶۰ شرایط روزنامه چگونه بود؟

در روزهای اوج‌گیری انقلاب که با برداشتن سانسور چند دهه‌ساله همراه بود، روزنامه اطلاعات و کیهان هر دو ر اوج تیراژ بودند، یعنی آن قدر عطش مطلع شدن در جامعه وجود داشت که روزنامه با هر تعداد صفحه نیاب می‌شد. تحت‌تأثیر سیلاب خبر در دهه ۶۰، آن رقابت سنتی که بین کیهان و اطلاعات بود از بین رفت. در نیمه اول دهه ۶۰ کیهان و اطلاعات، وضعیت ثابتی داشتند ولی اخبار و مطالب آن‌ها مثل قبل از انقلاب، حالت رقابتی نداشت و بیشتر بر اساس اقتضائات روز تهیه می‌شد. به جز اخبار رسمی، مصاحبه‌ها هم‌متنوع بود. به‌عنوان مثال پس از رحلت آیت‌الله طالقانی، من به دلیل آشنایی که با خانواده ایشان داشتم از طرف روزنامه، خبرنگار مقیم بیت ایشان شدم و کوچک‌ترین خبرها را می‌دادم و روزنامه چاپ می‌کرد، برای همین، مفصل‌ترین خبرها را در آن زمان اطلاعات داشت. کیهان هم در برخی حوزه‌های خبری برکاتر بر بود ولی در کل بحث رقابتی بین دو روزنامه بعد از انقلاب از بین رفت و هر دو جایگاه جدیدی پیدا کردند.

ارزیابی شما از خوانندگان روزنامه اطلاعات چیست؟

روزنامه اطلاعات هنوز در میان مخاطبان – هرچند بخشی کوچکی از جامعه– پایگاه سنتی دارد. هنوز آخرین نسل‌هایی که روزنامه خوانی را با کیهان و اطلاعات شروع کردند وجود دارند و همان‌ها این روزنامه را حفظ کرده‌اند. صفحه‌های جدید باسطیع نسل امروز هم در روزنامه طرفداران خودشان را دارند. روزنامه اطلاعات همواره یک تیراژ حداقلی را حفظ کرده است، از سوی دیگر به دلیل راه‌روسم تعاملی که این روزنامه در دوران مدیریت آقای ذابیحی در پیش گرفت و به نظرم در دوره مدیریت آقای صالحی همچنان حفظ شده، روزنامه‌خوان‌های قدیمی و بسیاری از فرهیختگان، هنوز روزنامه اطلاعات را می‌خوانند.

از زاویه دیگری هم می‌توان علت ماندگاری این روزنامه را ارزیابی کرد. زمانی‌میان نشریات انگلستان روزنامه برتیراژی وجود داشت که‌الان تعطیل شده و در آن زمان جامعه‌شناسان اصطلاحاً می‌گفتند این روزنامه مردم را تصرف جوهری کرده است، یعنی شما نمی‌توانید خواننده این روزنامه را وادار کنید که روزنامه دیگری را بخواند، چون به این روزنامه و ستون‌ها و جدول و اخبارش عادت کرده است. روزنامه اطلاعات هم به‌عنوان قدیمی‌ترین روزنامه ایران، چنین حالتی را دارد. پیش از انقلاب در برهه‌ای از زمان در صفحات روزنامه اطلاعات به نام «دشپ گرگی» را نوشتم که الان به چاپ سوم رسیده و رمان دوم نیز در دست چاپ است. در این بین، ضمن همکاری ناپیوسته با برخی نشریات، دوره آموزش شیوه‌های نوشتن و ادبیات داستانی را که از مرکز آموزش همشهری و از دهه هشتاد، تحت مدیریت دوست و همکار عزیزم دکتر حسن نمکدوست آغاز شده بود و پس از اپیدی کرونا به صورت آنلاین درآمد به صورت آزاد حفظ کردام. تعدادی از آثار دوستانه که در این هشت دوره با من کار کرده‌اند در قالب داستان‌های کوتاه و رمان منتشر شده است.